

شهادت امام زین العابدین (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



اشاره

گفتار زیر درباره یکی از چکادهای سر به فلک کشیده جهان هستی، امام سجاد (علیه السلام) است. او در برابر شدیدترین تندباد حادثه ها، استوار بر جای ایستاد و تازیانه خونبارترین پیشامدها، چون عاشورا و گردباد تلخ‌ترین روزگاران، مانند دوران اسارت، آسیبی به شکوه او نرساند. قرن هاست که چشم‌انداز زیبای بلندای او، همچنان، چشم‌ها را می‌نوازد و به قلب‌ها استواری و به دل‌ها جرئت می‌بخشد.

زندگی امام سجاد (علیه السلام) در یک پیام

زین‌العابدین (علیه السلام) ، قهرمان معنویت است، به گونه‌ای که وقتی انسان به او می‌نگرد، به حقیقت اسلام، نگاه می‌کند. نمازهایش، پرواز روح به سوی خدا بود و با همه وجود در پیشگاه پروردگارش آماده می‌شد. آن حضرت، پیک محبت بود؛ هر جا غریب و تهی‌دست و بینوایی را می‌دید که دیگران به او توجه ندارد، به او محبت می‌کرد و به خانه خودش می‌آورد. روزی گروهی از جذامی‌ها را دید که همه آنها را از خود می‌رانند. آن حضرت آنها را به خانه فرا خواند و از ایشان پرستاری کرد. خانه امام زین العابدین (علیه السلام) ، پناه‌گاه مسکینان، یتیمان و بیچارگان بود. «وقتی شورشیان، بنی امیه را از مدینه بیرون کردند، مروان که خود از دشمنان امام بود، از امام خواهش کرد که همسر و خانواده او در خانه و پناه آن حضرت باشند و امام نیز با بزرگواری پذیرفت. بدین‌گونه، در روزهایی که مدینه دست‌خوش قتل و غارت بود، خانه امام، پناه‌گاه پناهندگان بود و خانواده‌های فراوانی به آستان آن حضرت پناه آوردند و امام نیز تا پایان درگیری‌های خونین از آنان پذیرایی کرد».

ز رنج آرد به راحت، مردمان را	نشاند فتنه دور زمان را
همه راحت بُود بر خلق، بی رنج	وجودش خلق را شادی است چون گنج

لقب های براننده امام سجاد (علیه السلام)

سیدالعابدین، زین العابدین، سیدالمتقین، امام المؤمنین، سجاد و زین الصالحین، از لقب های امام چهارم شیعیان است که در این میان، دو لقب سجاد و زین العابدین، شهرت بیشتری دارد. این لقب ها مانند لقب هایی نیست که عرب هنگام زادن کودک یا در کودکی به او می‌دهد. این لقب ها را صرافان گوهرشناس و انسان‌جو به آن حضرت داده‌اند. آنان در آن دوران تاریک، از دیو و دد آزرده شده بودند و با دیدن آن امام، کسی را می‌دیدند که آن دانشمند در روز روشن با چراغ در پی او می‌گردید و نمی‌یافت. بیشتر کسانی که این لقب ها را بدو داده اند، نه شیعه بودند و نه او را امام و برگزیده از سوی خدا می‌دانستند. با این حال، نمی‌توانستند آنچه را در او می‌بینند، نادیده بگیرند. هر یک از این لقب ها، نشان دهنده درج های از کمال، پایه ای از ایمان، مرتبه ای از تقوا و اخلاص و میزان اعتماد و اعتقاد مردم به دارنده این لقب هاست. او به حقیقت جلوه‌گاه آشکار این ویژگی ها بود و این سخنی است که همگی برآند.

شرایط و رسالت ها در عصر امام زین العابدین (علیه السلام)

امام سجاد (علیه السلام) در دشوارترین شرایط به سر می‌برد تا آنجا که خود آن حضرت می‌فرماید: «اگر کسی متهم به کفر می‌شد، بهتر از آن بود که به شیعه گری متهم شود.» همچنین فرمود: «در مکه و مدینه، بیست نفر نیستند که ما را دوست بدارند».

در زمان آن حضرت، بنی امیه چنان بر مردم چیره بود که افزون بر روا داشتن ستم های فراوان در حق مردم، به تحریف دین مردمان نیز دست می‌یازید. در همین زمینه، انس بن مالک، صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با گریه می‌گفت: چیزی از آنچه در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وجود داشت، پیدا نمی‌شود. از همه آنچه از پیامبر خدا فرا گرفتیم، تنها نماز مانده است که در آن نیز بدعت هایی پدید آمده است. مسعودی، تاریخ نگار نامدار گفته است: «علی بن الحسین (علیه السلام) امامت را به شکل پنهانی و با تقیه بسیار و در زمانی دشوار عهده‌دار گردید.» در چنین زمان دشواری، امام سجاد (علیه السلام) با دوراندیشی و تدبیری شایسته، شیوه‌ای در پیش گرفت که توانست از خاموش شدن فروغ وحی جلوگیری کند و دین ناب و آسمانی اسلام را از لابه لای آن همه حادثه ها به سلامت به دست آیندگان بسپارد و نام اهل بیت (علیهم السلام) را زنده نگه دارد. پرهیز از قیام به دلیل آماده نبودن شرایط آن، رو آوردن به کار بزرگ فرهنگی در قالب دعا، روشن‌گری در هر فرصت مناسب و گریه های فراوان در عزای پدر بزرگوارش، امام حسین (علیه السلام)، بخشی از رسالت های پیروزی

آفرین آن حضرت در راه رسیدن به هدف هایش بود.

امام سجاد (علیه السلام) ، قهرمان مبارزه با تهاجم فرهنگی

آیین اسلام در هیچ دوره ای از خطر تهاجم فرهنگی ایمن نبوده و نیست. گاهی نیز اوج این ستیز فرهنگی در زمان برخی از پیشوایان معصوم (علیهم السلام) رخ می‌داد تا آنجا که قیام خونینی چون عاشورا، در رویارویی با همین خطرها شکل گرفت. امام سجاد (علیه السلام) نیز در دورانی زندگی می‌کرد که هنجارهای اخلاقی و فرهنگ ناب اسلامی به دست فراموشی سپرده و ناهنجاری‌ها و تبه‌کاری‌ها فراگیر شده بود. آن حضرت در چنین شرایط ناگواری، هرگز میدان را در برابر دشمن رها نکرد. ایشان با نفی قیام می‌کوشید ذهن دشمنان را از توجه و سرگرم شدن به خود بازدارد. در مقابل، به صورتی آرام و پنهانی، از راه سازندگی انسان‌های شایسته و آموزش اندیشه‌های راستین به آنان و با روشن‌گری‌های پی‌پای، در برابر تهاجم فرهنگی ایستاد و توانست پیروز میدان مبارزه فرهنگی باشد. در این باره، تنها به یکی از سندهای پیروزی آن امام در رویارویی با هجوم فرهنگ‌های خداستیز و غیر اسلامی، یعنی صحیفه سجادیه اشاره می‌کنیم که قرن‌هاست آبخوری زلال و آسمانی برای جان‌های تشنه هدایت و تکامل به شمار می‌آید.

علت قیام نکردن امام

یکی از رمزهای پیروزی مردان بزرگ، زمان‌شناسی و شناخت شرایط روزگار است. آنان با شناخت درست از آنچه پیرامونشان می‌گذرد، چگونگی رفتار خود را برمی‌گزینند. بر این اساس، نه همواره به قیام برمی‌خیزند و نه همیشه در صلح به سر می‌برند، بلکه این، اقتضای زمان و مصلحت روزگار است که جنگ یا صلح را برایشان تعیین می‌کند.

امام سجاد (علیه السلام) نیز از این قاعده بیرون نبود. آن حضرت با مصلحت‌اندیشی شایسته و در خور ستایش، پایداری دین و مانایی اسلام را در دگرگونی شکل مبارزه می‌داند. «در حقیقت، با وحشت و دیکتاتوری سختی که در جامعه حکم فرما شده بود و در اثر کنترل و چیرگی شدیدی که حکومت ستم‌گر اموی به وجود آورده بود، هرگونه جنبش و قیام مسلحانه پیشاپیش، محکوم به شکست بود و کوچک‌ترین حرکت از نگاه جاسوسان حکومت پنهان نمی‌ماند».

به همین سبب، امام راه درست و عاقلانه را در آن می‌دید که به گونه ای دیگر به مبارزه برخیزد و در ساختار دعا، با ستم‌گران بستیزد و پیام خود را به نسل‌های آینده برساند. گویا امام سجاد (علیه السلام) با اشاره به چنین شرایط دردناکی، در ساختار دعا به خداوند چنین عرض می‌کند: «پروردگارا! چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنی اش بر ضد من آخته، دم تیغش را برای ضربه زدن به من تیز کرده و سر نیزه اش را به قصد جان من تیز ساخته و

مرا آماج تیرهای خویش قرار داده است. زهرهای جانکاهش را برای کام من در جام، فرو ریخته و چشمش برای کنترل من نهفته است و بر آن است که به من گزند برساند».

سیاست امام سجاد (علیه السلام) در ترویج اسلام ناب

امام سجاد (علیه السلام) به دلیل آماده نبودن شرایط برای قیام، با مبارزه‌ای غیرمستقیم و سیاست‌هایی حکیمانه در ترویج و پایداری اسلام ناب کوشید که برخی از آنها عبارتند از:

زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

شهادت امام حسین (علیه السلام) و یاران آن حضرت، در افکار عمومی برای حکومت اموی، بسیار گران تمام شده و مشروعیت آن را زیر سؤال برده بود. برای آنکه این حادثه دلخراش فراموش نشود و ثمره‌های بزرگ آن به بار بنشیند، امام با گریه بر شهیدان عاشورا و زنده نگه داشتن یاد آنان، مبارزه منفی و حرکت فرهنگی را به صورت گریه ادامه می‌داد. گرچه این اشک‌های سوزان ریشه عاطفی هم داشت، ولی آثار و برکات سیاسی و اجتماعی آن بی نظیر بود تا آنجا که یکی از ریشه‌های جاودانگی نام و یاد عاشورا را می‌توان در همین عزاداری‌ها و گریه‌های امام زین العابدین (علیه السلام) دانست.

پند و ارشاد

گرچه امام سجاد (علیه السلام) به سبب وجود تنگناهای بازدارنده زمان خویش، نتوانست اندیشه‌های خود را آشکارا باز گوید، ولی آنها را در ساختار موعظه و نصیحت بیان می‌کرد. بررسی این موعظه‌ها نشان می‌دهد که امام با روش حکیمانه‌ای، در عین حال که مردم را موعظه می‌کرد، آنچه را می‌خواست به ایشان می‌آموخت و این بهترین شکل آموزش اندیشه‌های درست اسلامی در آن شرایط بود.

برخورد و مبارزه با عالمان درباری

علمای درباری کسانی بودند که اندیشه و ذهن مردم را به سود قدرت های فاسد جهت می دادند و زمینه فکری و ذهنی مردم را برای پذیرش حکومت آنان فراهم می کردند. ازاین رو، امام سجاد (علیه السلام) با برخورد با ریشه های گمراهی و تباهی، به شکلی اساسی به ترویج فرهنگ ناب اسلامی همت می گماشت و مردم را درباره ریشه های ستم پروری هشدار می داد.

امام سجاد (علیه السلام) و روشن گری در هر فرصت ممکن

گرچه زمینه برای قیام امام سجاد (علیه السلام) آماده نبود، این مسئله آن حضرت را از روشن گری های به جا و بازگو کردن حقیقت باز نداشت. برای نمونه، آن امام در دوران اسارت خویش، در مجلس یزید، در فرصت کوتاهی که برایش پیش آمد، برفراز منبر این گونه روشن گری می کرد: «ای مردم! کسی که مرا نمی شناسد، خود را بدو می شناسانم. من پسر مکه و منایم! من پسر مروه و صفایم! من پسر محمد مصطفایم! آن که پایگاه او بر همه آشکار و جولانگه او آسمان است. من پسر علی مرتضی و فاطمه زهرایم. ... من پسر آنم که تشنه جان داد و تن او بر خاک کربلا افتاد. مردم! خدای تعالی ما اهل بیت را نیک آزمود، رستگاری، عدالت و پرهیزکاری را در ما نهاد و ما را به شش ویژگی، برتری و بر دیگر مردمان، سروری داد. بردباری و دانش، دلاوری و بخشش را به ما ارزانی فرمود و دل مؤمنان را جایگاه دوستی و شکوه ما ساخت و خانه ما را مکان آمد و شد فرشتگان قرار داد».

نقش امام سجاد (علیه السلام) در تربیت موالی

یکی از کارهای فرهنگی امام زین العابدین (علیه السلام)، خریدن پیوسته بردگان و خدمتکاران و سپس آزاد کردن آنان بود. در حقیقت، انگیزه اصلی امام از این کار، انسان سازی بود. به این بیان که آن حضرت بردگان را می خرید و آن گاه به آموزش و پرورش آنها می پرداخت و پس از مدتی آزادشان می کرد، به گونه ای که هر کدام از آنها به سبب تربیت درستشان از سوی امام، به عنوان سخن گو و مبلغ وارد جامعه می شدند و به گسترش آیین ناب اسلام می پرداختند. امام، بردگان را با آنکه به آنان نیاز نداشت، می خرید و آنان را در مراسم حج به عرفات می آورد و آن گاه به سوی مشعر می برد. سپس آزادشان می کرد و هدیه هایی به آنان می داد. بدین گونه، آن حضرت، کانون تربیتی متمرکزی به وجود آورده بود. هر کدام از آزاد شده ها نیز فرد تربیت شده و الگو برای دیگران بودند. البته آنان پس از آزادی نیز پیوند معنوی خود را با امام نمی بریدند و همچنان از خرمن آن حضرت خوشه چینی می کردند. این روش امام سجاد (علیه السلام) با توجه به تنگ ناهایی که آن حضرت در ارشاد و هدایت مستقیم جامعه داشت، بسیار درخور ژرف نگری و بررسی است.

آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد

امام سجاد (علیه السلام) از شکوه ویژه ای برخوردار بود، به گونه ای که هر جا گام می‌نهاد، مردم برای وی راه می‌گشودند و نگاه های خود را به سوی او می‌دوختند. «سالی هشام پسر عبدالملک به حج رفت و گروهی از بزرگان شام همراه او بودند. روزی به سبب انبوهی مردم نتوانست دست خود را به حجرالاسود برساند. در این هنگام، امام علی بن الحسین (علیه السلام) به طواف آمد و چون نزدیک رکن آمد، مردم کنار رفتند تا ایشان به آسانی، دست خود را به رکن بزنند. این پاس‌داشت در دیده شامیان، بزرگ و شگفت آمد. از هشام پرسیدند: این مرد کیست که مردم چنین او را گرمی می‌دارند؟ هشام گفت: نمی‌دانم! فَرَزْدَق، شاعر معروف که در آنجا حاضر بود، گفت: من او را می‌شناسم و در همان زمان، بیت هایی را در شناساندن وی و ستایش او سرود که در برخی از آنها چنین آمده است: «این کسی است که (سرزمین) بطحا جای پایش را می‌شناسد و همچنین حرم و بیرون حرم. این پسر مهم‌ترین بندگان خداست. او پرهیزکار، برگزیده، پاک و نشانه و راهنماست. اینکه گویی «این کیست؟» بدو زبانی نمی‌رساند. آن را که تو شناخته گرفت های، عرب و عجم می‌شناسد».

امام سجاد (علیه السلام) و مردم گرایی

یکی از ویژگی های بزرگ امام سجاد (علیه السلام) ، مردم گرایی و مهر ورزی به انسان‌ها بود، به گونه ای که فراوانی گرفتاری های آن حضرت، هرگز وی را رسیدگی به گرفتاری های مردم و گره‌گشایی از کار فرو بسته آنان باز نداشت. «آن حضرت، شب هنگام، انبان های نان را بر پشت خود می‌نهاد و به خانه تهی‌دستان می‌رفت و می‌فرمود: «صدقه پنهانی، آتش خشم پروردگار را خاموش می‌کند.» برداشتن این انبان‌ها، بر پشت او اثر گذاشته بود و چون به دیدار پروردگارش شتافت، هنگام غسل دادن ایشان، آن نشانه های مهرورزی آشکار شد.» امام، سالی آهنگ حج کرد. خواهرش توشه ای به ارزش هزار درهم برای وی آماده ساخت، ولی آن حضرت همه را به مستمندان بخشید. آن حضرت، پسر عمویی مستمند داشت که شب هنگام به گونه ای که شناخته نشود، نزدش می‌رفت و چند دینار به او می‌بخشید. آن مرد می‌گفت: علی بن الحسین در اندیشه خویشاوند نیست، خدا او را سزا دهد. امام این سخنان را می‌شنید، بردباری می‌کرد و خود را بدان خویشاوند نمی‌شناساند. چون به دیدار خدا شتافت و آن احسان از آن مرد بریده شد، دانست که آن مرد نیکوکار، علی بن الحسین بوده است. پس بر سر مزار او رفت و گریه کرد.

خرّم آن‌کس که در این محنت‌گاه خاطری را سبب تسکین است

پاسخ‌گویی بدی به نیکی

قرآن کریم در رفتار اجتماعی، اصل را بر مدارا در برابر تندى و نیکی در برابر بدی نهاده و فرموده است: «و آنان که بدی را با نیکی می‌زدایند.» به گفته زیبای فیض کاشانی:

مکافات بد را نکویی بیاریم	اگر بد کنیم، آن‌چنان کوست باشیم
بکوشیم تا دوستی خوی گردد	به هر کو کند دشمنی، دوست باشیم

در این‌باره آمده است که روزی علی بن الحسین (علیه السلام) بر مردمی گذشت که از او بد می‌گفتند. پس فرمود: «اگر راست می‌گویید، خدا از من بگذرد و اگر دروغ می‌گویید، خدا از شما بگذرد». روزی مردی او را در بیرون خانه دید و بدو دشنام داد. خدمت‌کاران آن حضرت بر آن مرد تاختند. علی بن الحسین (علیه السلام) فرمود: «او را رها کنید». سپس بدو گفت: «آنچه از ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که می‌دانی. آیا نیازی داری تا آن را روا کنم؟» آن‌گاه مقداری پول به آن مرد بخشید، به گونه ای که آن مرد بسیار شرم‌نده شد و گفت: گواهی می‌دهم که تو فرزند پیامبری. یکی از دانشمندان زمان آن حضرت به نام زُهری می‌گوید: «برتر از علی بن الحسین (علیه السلام) ندیدم. از دانستن فضیلت فراوان وی، دوستش بر او غبطه می‌خورد و کسی که دشمن او بود، به سبب روش مسالمت‌آمیز وی، دشمنی خود را آشکار نمی‌کرد».

فیض روشن‌دل، به نیک و بد برابر می‌رسد	پرتو مه می‌فتد یکسان به آباد و خراب
---------------------------------------	-------------------------------------

دلیل دعامحوری امام سجاد (علیه السلام)

بسیاری از انسان‌ها، اوج تلخ‌کامی شخص را در به خاک و خون تیپیدن او می‌دانند و بالاترین اندازه سختی برای آدمی را در آن می‌بینند که با شمشیر و نیزه تکه تکه شود و از پای درآید. این در حالی است که گونه دیگری از سختی و دشواری نیز هست که تلخی آن چه بسا بالاتر از زخم برداشتن و کشته شدن است و آن اینکه شخص در برابر جور ستم‌گران و فتنه جویان، بنا بر مصلحت نتواند برخیزد و ناچار باشد زهر بردباری و خویش‌داری را جرعه جرعه بنوشد و انبوهی از سخن را در سینه خود پنهان سازد و نتواند بازگو کند. خلاصه آنکه به گفته زیبای حافظ، «آن همه زخم نهان باشد و مجال آه نباشد»:

این چه استغناست یا رب وین چه قادر حکمت است	کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست
--	--------------------------------------

امام سجاد (علیه السلام) با چنین تلخ کامی هایی دست به گریبان بود و در چنین روزگار تاریکی، چه چیزی بهتر از دعا و نیایش می‌توانست به او آرامش بخشد و بهانه شود تا دردهای نهانی را در قالب راز و نیاز، بازگو و سخن های مگو را آشکار کند.

دلیل گریه های امام سجاد (علیه السلام) از نگاه شهید مطهری

یکی از ویژگی مردان خدا، گریه از ترس پروردگار است، ولی گریه های امام سجاد (علیه السلام) افزون بر آنکه به دلیل ترس از خداوند نیز بود، پیام دیگری نیز داشت. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «برای علی بن الحسین (علیه السلام) فرصتی همانند فرصت امام حسین (علیه السلام) پیدا نشد، همچنان که فرصتی مانند فرصتی که برای امام صادق (علیه السلام) پدید آمد، پیدا نشد. البته برای کسی که می‌خواهد خدمت‌گزار اسلام باشد، همه وقت ها فرصت است، ولی شکل فرصت ها تفاوت دارد. برای نمونه، آن حضرت، از هر بهانه ای استفاده می‌کرد که اثر قیام پدر بزرگوارش را زنده نگه دارد. آن گریه های او برای چه بود؟ می‌خواست تا با این کار، این حادثه را زنده نگه دارد و مردم یادشان نرود که چرا امام حسین (علیه السلام) قیام کرد و چه کسانی او را کشتند. روزی یکی از خدمت‌گزارانش عرض کرد: آقا! آیا زمان آن نرسیده است که شما از گریه باز ایستید؟ فرمود: چه می‌گویی؟ یعقوب، یک یوسف بیشتر نداشت و در غم دوری او تا آنجا گریست که چشمانش سفید شد. من در جلو چشم خود، هجده یوسف را دیدم که یکی پس از دیگری بر زمین افتادند».

امام سجاد (علیه السلام) و نجات شیعیان

پس از حادثه کربلا، شیعیان در بدترین شرایط قرار گرفتند. کوفه که مرکز گرایش های شیعی بود، به مرکزی برای سرکوبی شیعه تبدیل شد. در چنین شرایطی که گمان نابودی اساس تشیع می‌رفت، امام سجاد (علیه السلام) توانست شیعه را حیاتی نو بخشد و زمینه را برای فعالیت های آینده امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) فراهم کند. تاریخ گواه است که امام سجاد (علیه السلام) در مدت سی و چهار سال تلاش خود، شیعه را در یکی از سخت ترین دوران حیات عبور داد؛ یعنی حکومت زبیریان و امویان رهبری کرد. فراموش نشود که بیست سال حاکمیت حجاج بر عراق و سلطه عبدالملک بن مروان بر همه سرزمین های اسلامی، تنها برای کوبیدن شیعیان و در بخش‌های دیگر، کوبیدن دیگر مخالفان امویان بود.

صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه یکی از اثرهای گرانسنگ به جا مانده از امام سجاد (علیه السلام) است. صحیفه سجادیه که «زبور آل محمد صلی الله علیه و آله»، «انجیل اهل بیت» و «اخت القرآن» لقب گرفته، در بردارنده 54 دعاست که تاکنون بیش از شصت شرح بر آن نوشته شده است. صحیفه سجادیه تنها دربردارنده راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه وی نیست، بلکه دریای بی‌کرانی از علوم و معارف اسلامی است که مسائل گوناگون عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در آن آمده است. در سال 1353 هـ.ق مرجع فقید، آیت الله العظمی مرعشی نجفی، نسخه ای از صحیفه سجادیه را برای طنطاوی، دانشمند بزرگ اهل تسنن و صاحب تفسیر معروف الجواهر به قاهره فرستاد. وی پس از ارج نهادن به این هدیه گرانبها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ چنین نوشت: «این از بدبختی ماست که تاکنون به این اثر گرانبها ای جاوید که از مواریث پیامبر است، دست نیافته بودیم. من هر چه در آن می‌نگرم، آن را از گفتار آدمیان، فراتر و از سخن پروردگار فروتر می‌یابم».

آن صحیفه سرّ سجادی است کاشف	راز عشق آن امام راستان را
زان صحیفه آیت سجاد بیند	دیده اهل صفا راز نهان را
باغ دل‌ها را خوش اوراق کتابش	داد زینت همچو گل باغ جهان را
در دعا راز و نیازش عاشقانه	داد تعلیم حقایق انس و جان را

دعا در حق فرزندان

یکی از دعا‌های دل‌نشین صحیفه سجادیه، دعای امام سجاد (علیه السلام) درباره فرزندان است که در بخش‌هایی از آن می‌خوانیم: «پروردگارا! بدن‌ها و دین و اخلاق آنها را به سلامت دار و به آنان در جان و جسم و هر آنچه برایشان مهم است، عافیت بخش. روزی آنان را به دست من گسترده ساز و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و بینا و شنوای حق و فرمان‌بردار خودت قرار ده. خدایا! آنان را دوستان من قرار ده و بر من مهربان ساز و فرمان‌پذیر دستورهای من بگردان و مرا در تربیت شان و خوبی کردن به آنها یاری فرما. آنان را بر آنچه از تو می‌خواهم، یار و یاورم قرار ده و مرا و فرزندانم را از شرّ شیطان مصون بدار».

دعا در حق پدر و مادر

امام سجاد (علیه السلام) درباره پدر و مادر خویش این گونه به دعا می‌نشیند: «خداوندا! مرا به پاس‌داشت بزرگی پدر و مادر، توفیق ده و به مهربانی و نیکی به آنان و فرمان‌پذیری از آنان و خوش رفتاری با آنان، موفق بدار و

اطاعت از آنان را در کام من شیرین و گوارا بگردان. خداوندا! صدایم را در برابر آنها آرام و گفتارم را بر آنان خوشایند فرما و خویم را با آنان نرم و قلم را بر آنها مهربان ساز. خدایا! یاد آنان را در پس نمازهایم و در وقت های شب و روزم، از دلم مزدای و مرا به برکت دعاهایی که برای آنان دارم، بیامرز».

فرجام نیک

آن‌گاه که امام سجاد (علیه السلام) در آستانه شهادت قرار گرفت، هنگام مرگ، دمی بیهوش شد و چون چشم خود را گشود، سوره واقعه و سوره فتح را خواند. سپس گفت:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ.»

سپاس خدایی را که به ما وعده راست فرمود و بهشت را میراث ما کرد تا هر جا که خواهیم جای گیریم. پس چه نیک است پاداش عمل کننده ها.

آن‌گاه خاموش شد.

امام سجاد (علیه السلام) وصیت کرده بود که در مرگشان، کسی را خبر نکنند و ایشان را زود به خاک بسپارند، ولی هنگام تشییع و دفن آن حضرت، انبوهی از دوستداران اهل بیت گرد آمدند که مدینه مانند آن را کمتر به خود دیده بود.

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم	خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم
چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است	روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم